

سوال

شما در یکی از فتواها تأیید کرده‌اید که قرآن شفای بیماری‌های مادی و معنوی است، دلیل آن چیست؟ و راه استفاده از قرآن برای شفای ریزش مو چگونه است؟ جزاکم الله خیرا.

پاسخ مفصل

الحمد لله.

اولاً:

قرآن شفاست، همانطور که الله تعالی فرموده است: **وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا** [الإسراء: ۸۲] (و از قرآن، آنچه را که شفا و رحمتی برای مؤمنان است، نازل می‌کنیم و ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید).

و این شامل بیماری‌های حسی (جسمی) و معنوی (روحی) می‌شود. و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بر خود و بر بیماران خانواده‌شان، «معوذات» (سوره‌های سه قل) را می‌خواندند، و اگر این کار نفعی نداشت، آن را انجام نمی‌دادند.

مسلم (۲۱۹۲) از عایشه [رضی الله عنها] روایت کرده است: «که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - هرگاه بیمار می‌شدند، معوذات را بر خود می‌خواندند و [بر خود] می‌دمیدند. پس هنگامی که دردشان شدت گرفت، من بر ایشان می‌خواندم و به امید برکت دست خودشان، با آن بر بدنشان مسح می‌کردم».

و مسلم (۲۱۹۲) از عایشه [رضی الله عنها] روایت کرده است که گفت: «رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هرگاه یکی از خانواده‌شان بیمار می‌شد، با خواندن معوذات بر او می‌دمیدند. پس هنگامی که در بیماری‌ای که در آن وفات یافتند، بیمار شدند، من شروع به دمیدن بر ایشان کردم و با دست خودشان بر بدنشان مسح می‌کردم، زیرا دست ایشان از دست من برکت بیشتری داشت».

و ابن حبان (۶۰۹۸) از عایشه [رضی الله عنها] روایت کرده است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بر او وارد شدند در حالی که زنی او را درمان یا رقیه می‌کرد. پس فرمودند: «او را با کتاب خدا درمان کن».

ابن قیم رحمه الله می‌گوید: «الله تعالی فرموده است: وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ .

و قول صحیح آن است که حرف «مِنْ» در اینجا برای بیان جنس است، نه برای تبعیض (یعنی اینطور نیست که بخشی از قرآن شفا باشد و بخشی نباشد). و الله تعالی فرموده است: يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ [یونس: ۵۷] (ای مردم، قطعاً برای شما از جانب پروردگارتان، پندی و شفایی برای آنچه در سینه‌هاست، آمده است).

پس قرآن، شفای کامل از تمام بیماری‌های قلبی و بدنی، و بیماری‌های دنیا و آخرت است.

اما هر کسی شایستگی و توفیق استشفای به آن را نمی‌یابد.

و اگر بیمار، به نیکی خود را با آن مداوا کند، و آن را با صداقت، ایمان، پذیرش کامل و اعتقاد جازم و رعایت شروطش بر بیماری خود قرار دهد، بیماری هرگز در برابر آن مقاومت نخواهد کرد.

چگونه بیماری‌ها می‌توانند در برابر کلام پروردگار زمین و آسمان مقاومت کنند؟ کلامی که اگر بر کوه‌ها نازل می‌شد، آنها را متلاشی می‌کرد، یا بر زمین، آن را تکه تکه می‌نمود.

در حقیقت، هیچ بیماری قلبی یا جسمی وجود ندارد مگر آنکه قرآن راه شناختِ درمان، علت، و شیوهٔ پیشگیری از آن را بیان کرده است؛ البته این [هدایت] تنها روزی کسی می‌شود که خداوند فهمِ کتابش را به او ارزانی داشته باشد». زاد المعاد (۴/۳۲۲).

و ایشان رحمه الله در زاد المعاد (۴/۲۲) می‌گوید: «علاج پیامبر – صلی الله علیه وسلم – برای بیماری سه نوع بود:

اول: با داروهای طبیعی.

دوم: با داروهای الهی.

سوم: با ترکیبی از این دو امر».

سپس ایشان رحمه الله در (۴/۱۶۲) می‌گوید:

«فصلی در بیان روش پیامبر – صلی الله علیه وسلم – در رقیهٔ شخص گزیده شده با سورهٔ فاتحه.

بخاری و مسلم از حدیث ابی سعید خدری [رضی الله عنه] روایت کرده‌اند که گفت: گروهی از اصحاب پیامبر – صلی الله علیه وسلم – در سفری بودند تا اینکه به قبیله‌ای از قبایل عرب رسیدند و از آنان خواستند که مهمانشان کنند، اما آنان از مهمان کردنشان خودداری ورزیدند.

در این میان، بزرگ آن قبیله گزیده شد و آنان با هر وسیله‌ای برای [درمان] او تلاش کردند، اما هیچ سودی نبخشید. برخی از آنان گفتند: چه خوب است نزد این گروه که [در نزدیکی ما] فرود آمده‌اند بروید، شاید نزد یکی از آنان چیزی [برای درمان] باشد. پس نزدشان آمدند و گفتند: ای گروه، بزرگ ما گزیده شده و ما هر تلاشی برای او کرده‌ایم اما سودی نداشته است، آیا نزد کسی از شما چیزی [برای درمان] هست؟

یکی از اصحاب گفت: آری به خدا سوگند من رقیه می‌کنم، اما ما از شما طلب پذیرایی کردیم و شما ما را مهمان نکردید، پس من رقیه نخواهم کرد تا اینکه برای ما مزدی قرار دهید. پس آنان بر سر یک گله گوسفند با ایشان صلح کردند.

سپس آن صحابی رفت و در حالی که بر آن [محل گزیدگی] آب دهان می‌انداخت سوره «الحمد لله رب العالمین» را بر او خواند. پس [بیمار] چنان [بهبود یافت که] گویی از بندی رها شده باشد. برخاست و شروع به راه رفتن کرد و هیچ دردی در او نبود.

راوی می‌گوید: پس آنان مزدی را که بر سر آن صلح کرده بودند، به ایشان پرداختند. برخی [از اصحاب] گفتند: آن را [میان خود] تقسیم کنید. اما کسی که رقیه کرده بود گفت: این کار را نکنید تا نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برویم و ماجرا را برایشان بازگو کنیم و ببینیم چه امر می‌کنند. پس نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمدند و ماجرا را برایشان ذکر کردند. ایشان فرمودند: «تو از کجا دانستی که آن [سوره فاتحه] رقیه است؟». سپس فرمودند: «کار درستی کرده‌اید؛ آن را تقسیم کنید و سهمی نیز برای من با خودتان قرار دهید».

و ابن ماجه در «سنن» خود از علی رضی الله عنه روایت کرده است که گفت: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «بهترین دارو، قرآن است».

همه می‌دانند که برخی از سخنان [بشری]، دارای خواص و منافع اثبات شده‌ای هستند. حال، گمانت درباره کلام پروردگار جهانیان چیست؟ همان کلامی که برتری‌اش بر هر سخن دیگری، همچون برتری خداوند بر تمام آفریدگانش است. آری، همان کلامی که شفای کامل، حافظی سودمند، نوری هدایتگر و رحمتی فراگیر است؛ کلامی که اگر بر کوهی فرود می‌آمد، بی‌شک از عظمت و جلالش درهم می‌شکست و متلاشی می‌گشت.

خداوند متعال می‌فرماید: **وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ** [الإسراء: ۸۲] (و از قرآن، آنچه را که شفا و رحمتی برای مؤمنان است، نازل می‌کنیم). حرف «من» در اینجا برای «بیان جنس» است، نه برای «تبعیض» (یعنی تمام قرآن شفاست، نه فقط بخشی از آن). این صحیح‌ترین دو قول در این باره است. مانند فرموده الله تعالی: **وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا** [الفتح: ۲۹] (الله به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است)، در حالی که همه آنان از کسانی هستند که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند.

حال، گمانت دربارهٔ سورۀ فاتحه چیست؟ سوره‌ای که در قرآن، تورات، انجیل و زبور، مانندی برای آن نازل نشده است. سوره‌ای که در بر دارندهٔ تمام معانی کتاب‌های الهی است و مشتمل بر اصول نام‌های پروردگار متعال و جامع آنها، یعنی «الله»، «رب» و «رحمن» می‌باشد. سوره‌ای که معاد را اثبات، و هر دو نوع توحید (توحید ربوبیت و توحید الوهیت) را بیان می‌کند و نیاز بنده به پروردگار در طلب یاری و هدایت، و اختصاص دادن این امور تنها به او را، یادآور می‌شود.

تا آنجا که [ابن قیم] می‌گوید:

«زمانی در مکه بر من گذشت که بیمار شدم و نه طبیبی یافتم و نه دارویی. پس خود را با آن [سورۀ فاتحه] درمان می‌کردم؛ جرعه‌ای از آب زمزم برمی‌داشتم و بارها آن را بر آب می‌خواندم، سپس می‌نوشیدم. و به این وسیله، شفای کامل را یافتم. پس از آن، برای بسیاری از دردها بر این کار اعتماد کردم و از آن بهرهٔ فراوانی بردم».

شیخ ابن باز رحمه الله می‌گوید: «الله جل و علا هیچ دردی را نازل نکرده مگر آنکه شفای آن را نیز نازل کرده است؛ عده‌ای آن را دانسته‌اند و عده‌ای به آن جاهل مانده‌اند. و خداوند سبحانه و تعالی در کتاب و سنت، که بر پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - نازل فرموده، درمانی برای تمام دردهای مردم، اعم از بیماری‌های جسمی و روحی، قرار داده است. او به این وسیله، بندگان را سود بخشیده و از این راه، چنان خیر و برکتی نصیب آنان کرده که شمارش آن را کسی جز خود او نمی‌داند».

دوم:

از جمله روش‌های تجربه شده در درمان بیماری‌های جسمی با قرآن، نوشتن برخی از آیات آن بر روی کاغذ، قرار دادن آن در آب، و طلب شفا با آن آب است.

ابن قیم رحمه الله می‌گوید: «گروهی از سلف، نوشتن بخشی از قرآن و نوشیدن [آب] آن را اجازه داده‌اند و آن را از جمله شفایی دانسته‌اند که خداوند در آن قرار داده است.

نوشته‌ای دیگر برای آن (یعنی برای درمان زایمان سخت): در ظرفی تمیز نوشته می‌شود: **إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ * وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ * وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ * وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ * وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ [الانشقاق: ۱-۵]**، و زن باردار از آن می‌نوشد و بر شکمش پاشیده می‌شود.

نوشته‌ای برای خون‌دماغ: شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله بر پیشانی‌اش می‌نوشت: **وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ [هود: ۴۴]**. و از او شنیدم که می‌گفت: آن را برای بیش از یک نفر نوشتن و بهبود یافتند. سپس گفت: و جایز نیست که آن را با خون خود شخص بنویسند، چنانکه جاهلان انجام می‌دهند، زیرا خون نجس است و جایز نیست که کلام الله تعالی با آن نوشته شود.

نوشته‌ای برای دندان‌درد: بر روی آن گونه که درد می‌کند، نوشته می‌شود: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ هُوَ الَّذِیْ اَنْشَاَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ قَلِیْلًا مَّا تَشْكُرُوْنَ [الملک: ۲۳]. و اگر بخواهد، می‌نویسد: وَلَهُ مَا سَكَنَ فِی اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ [الأنعام: ۱۳].

نوشته‌ای برای دُمَل و ورم چرکی: بر روی آن نوشته می‌شود: وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا * فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا * لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا [طه: ۱۰۵-۱۰۷]».

سوم:

ما به [نص صریحی درباره] درمان ریزش مو با قرآن برخورد کرده‌ایم. اما اصل همان است که پیشتر گفته شد: قرآن شفاست، البته به شرطی که یقین، عزم راسخ و پناه بردن صادقانه به خداوند متعال وجود داشته باشد. و در نهایت، شفا تنها از جانب الله، پروردگار جهانیان، و به خواست و تقدیر اوست.

این مسئله دقیقاً مانند داروهای مادی است که مردم برای درمان از آنها استفاده می‌کنند. چه بسیار اتفاق می‌افتد که مردم با دارویی مادی که داناترین پزشکان برایشان تجویز کرده، برای درمان تلاش می‌کنند، اما شفایشان در آن نیست. آیا این مسئله باعث می‌شود که آن دارو را دیگر سببِ شفا ندانیم؟ یا به علم و دانش آن پزشک خدشه وارد کنیم؟!

والله اعلم.